

# الباب الثالث من الواحد التاسع و لله من كل ملك او سلطان...

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب الثالث من الواحد التاسع و لله من كل ملك او سلطان يبعث في ذلك الدين بيت من المرات لنفسه يكتب آيات الله و كان بين عينيه تلك الآية المذكورة في الذيل.

ملخص این باب آنکه کل وجود خالق نشده اند مگر از برای یوم ظهور الله که آن در عرف بیان بقیامت ذکر میشود و آن از اول ظهور شجره حقیقت است تا غروب آن مثلا در نقطه فرقان بیست و سه سال بود حد آن یوم که کل از برای آن روز خالق شده بودند و مثل آن ایام مثل شمس است بالنسبة بستارگان و همچنین مثل اهل آن ظهور بالنسبة بظاهر مثل همین است

از این جهت است که در آن ظهور عارفین بآن قلم را جریان ندهند و حیا کنند از تصانیف و تألیف و انشآت خود و ظهورات و بروزات خود زیرا که اگر در نهار نجی طالع شود هرآینه ذکر نوری از برای آن میشود و همچنین است اگر اعلم علمای زمان "من یظهره الله" بعد از ظهور آن کلمه انشا کند معاینه مثل آن همین خواهد بود و همین قسم که نقطه شمس حقیقت بوده آثار آنها بالنسبة بآثار شمس آثار است این است که تا آخر وجود اگر مرآت شوند تعاکس در آنها ظاهر میشود از شمس آثار بلکه کل مستغنی هستند از دون آن ولی بعد از غروب آن اذن داده شده که کل در ظل او آنچه توانند عروج نمود و اگر کل عالم جمع شوند و عروج نمایند بعرفان حرفی از آن نتوانند رسید



ORIGINAL



AUDIO

و ذکر شده در حق اولوالقدره از میم و سین در بیان بر اینکه مقعد مرتفعی از مرآت از برای نفس خود ظاهر سازد در بین عینی او مکتوب شود ذکر می که مدل باشد بر اینکه اگر "من یظهره الله" ظاهر شود و ایمان آورد و نصرت کند اعلائی از کل خلق گردد و الا ادنی لعل در آن یوم مراقب خود باشد که بچند صباح محتجب از لقاء محبوب خود نشود که از برای او از اول عمر تا آخر عامل بوده و هست و ثمر نمیدهد آن را الا آنکه عمل کند از برای آن و نصرت نماید دین اون را بآنچه رضای او است و الا خواهد رفت مثل آنچه قبل از آن رفتند و اثری از آن نخواهد ماند الا ذکر دون حق و احتجاب از محبوبی که از برای او میکرده آنچه میکرده و باسم او در بیان معزز بوده

که اگر حزنی بر "من یظهره الله" وارد آید انتقامی که ممکن است از کلهشی از اون گرفته میشود و اگر نصرت کند فضلی که در حق کل شیئی جاری میگردد در حق او نازل میشود زیرا که اگر اقدام بجزن او نماید احدی را نمیرسد بر این زیرا که این زمان این قسم بوده که علما را حکمی نبوده الا باعانت آن خدا عالم است که در آن زمان چه نوع باشد تربیت خلق و حدود ایشان و اگر عالمی در آن ظهور مبادرت نماید بر دون رضای او مثل اون است که بعد کل وجود را متحمل شده باشد و هر ناری که از برای لدون الله خلق شده از برای او میشود زیرا که انظار کل از اعلائی و ادانی راجع میگردد بعلمای هر ظهوری که اگر آنها در ایمان خود صادق باشند منحرف از حق نخواهند شد و اگر بر حق حزنی وارد آید بسبب انحراف آنها میشود که کل چنین میدانند که آنها بر حقند و حال آنکه لدون الله بوده و هستند عند الله این است که آن ناریکه بکل میرسد اول بآنها میرسد و بعد از آنها بدیگران چنانچه اگر مقبل باشند فضل الهی اول بایشان میرسد و بعد بدیگران

نیکو درجه است درجه علم اگر علم "بمن یظهره الله" و رضای او باشد و الا بدترین درجات است عند الله و عند کلهشی که اگر یک کلمه نمیدانست بهتر بود از برای او تا آنکه علم بکلهشی داشته باشد و علم "بمن یظهره الله" نداشته باشد که کل شیئی با امر او لباس شیئیت را میپوشند چه آن وقت که یک کلمه نمیداند اگر مقبل شود که طوبی له و اگر منحرف شود نفس خود را در نار انداخته و الا هر کس که بعلم او تابع او بوده داخل نار است و همچنین اگر بعلم او تابع حق شود بواسطه او داخل جنت میگردد ولی از آنجائی که اتباع نفسی نفسی را باعث احتجاب آن میشود از حق از این جهت نبودن علم از برای او انفع تر است از بودن الا و آنکه خالص باشد از برای خدا که بلکه بعلم خود تواند نصرت حق نمود در یوم ظهور آن و بسبب آن نفسی ایمان بحق آورد

در حینی که نظر میکند و عجز خود را در آیات الهی می بیند فی الفور سجده میکند و اعتراف میکند بر اینکه این است آیات "من یظهره الله" کل موعود بان بوده حمد خدا را که ما را در یوم قیامت عالم گردانید باو که بثمره وجود خود فائز گردیم و از لقای الهی محتجب نمائیم که از برای او خلق شده ایم و عمل نکرده ایم الا از برای همین ذلک من فضل الله علینا انه هو الفضال الکریم

و بدانکه اگر یقین کنی چنین میکنی ولی چون نمیتوانی یقین نمود بحجب نفس خودت این است که میمانی در نار و ملتفت نمیشوی اگر در یوم ظهور آن غیر از آنکه ایمان باو آوری کل خیر کنی نجات نمیدهد تو را از نار و اگر ایمان بحق آوری کل خیر از برای تو ثبت میگردد در کتاب خدا و آن تا قیامت دیگر در جنت متلذذ خواهی بود و ملتفت باش حق التفات که امر بسیار دقیق است در حینی که اوسع است از سموات و ارض و ما بینهما

مثلا اگر کل منتظرین بقول عیسی - علیه السلام - یقین نموده بودند ظهور احمد رسول الله - صلی الله علیه و اله - را یک نفر منحرف نمیشد از قول عیسی - علیه السلام - و همچنین در ظهور نقطه بیان اگر کل یقین کنند باینکه همان مهدی موعودی است که رسول خدا - صلی الله علیه و اله - خبر داده یک نفر از مؤمنین بقرآن منحرف نمیشوند از قول رسول خدا - صلی الله علیه و اله - و همچنین در ظهور "من یظهره الله" همین مطلب را مشاهده کن که اگر کل یقین کنند که این همان "من یظهره الله" است که نقطه بیان خبر داده احدی منحرف نمیشود

نه این است که حجتی باشد بر یقین نکردن ایشان در حق او و اگر حجتی از برای رهبان انجیل و علمای فرقان بعد از ظهور بیان هست از برای آنها هم خواهد بود بمنتهای دقت دقت نموده که از دقت خود محتجب نشوی و بعین او او را شناخته تا آنکه بعرفان او فایز گردی

ذکر این کلمات از برای آنکه در آن روز کل مراقب خود شوند از اعلی و ادنی لعل در ذکر فنا داخل نشوند و از ذروه لقا محتجب نمانند فلتراقبن الله ثم اياه تتقون.

